

گزارش «وطن امروز» از تأثیر سیاست‌های نامتقارن بر معادلات امنیت انرژی و جهش نرخ جهانی نفت

جهش ۱۵ درصدی قیمت نفت با ابتکار ایرانی



گروه اقتصادی: بازار جهانی نفت همواره آیین‌های تمام‌نما از تلاطم‌های ژئوپلیتیک بوده است اما تحولات یک ماه گذشته در غرب آسیا بار دیگر شکنندگی عمیق و وابستگی گسست‌ناپذیر امنیت انرژی جهان به ثبات این منطقه را آشکار کرد. جهش حدود ۱۵ درصدی قیمت‌ها و صعود نفت برنت به مرز ۱۱۸ دلار در هر بشکه، هشدار جدی برای اقتصاد جهانی است که در شرایط حساس کنونی، با چشم‌اندازی مبهم از مهار بحران‌ها و تداوم سایه جنگ روبه‌رو است.

آنچه شرایط امروز را متمایز می‌کند، تغییر سازوکار بازار از «معادلات سنتی عرضه و تقاضا» به سمت «پیش‌بینی ریسک‌های انباشته» است. بازار انرژی اکنون به جای کمبودهای فیزیکی لحظه‌ای، با تکیه بر احتمال وقوع رویدادهای وخیم‌تر در آینده نزدیک قیمت‌گذاری می‌شود؛ فرآیندی که تحت تأثیر عوامل به‌هم‌پیوسته‌ای چون ناامنی ابراهامی استراتژیک، آسیب‌پذیری تأسیسات راهبردی، متغیرهای پیچیده سیاسی و بی‌اث‌شدن ابزارهای دیپلماتیک شکل گرفته و فضای نفت را به مرحله‌ای پرنوسان و غیرقابل‌پیش‌بینی کشانده است.

نفت در یک ماه ۱۵ درصد گران‌تر شد
آمار معاملات یک ماه اخیر تصویری روشن از افزایش نگرانی‌ها ارائه می‌دهد. قیمت نفت برنت در این ماه ۱۳٫۶ درصد و نفت وست‌تگزاس اینترمیدیت آمریکا ۱۵٫۲ درصد افزایش یافته است. در معاملات روز جمعه نیز نفت خام آمریکا با رشد بیش از ۲ دلار (معادل ۲۰٫۸ درصد) به ۱۰۴ دلار در هر بشکه رسید. نفت برنت نیز پس از تجربه قیمت ۱۱۸ دلاری، در سطح ۱۱۷ دلار قرار گرفت.

این افزایش قیمت را باید در ارتباط با شرایط امنیتی خاورمیانه بررسی کرد. بازار نفت به آینده نگاه می‌کند و قیمت امروز آن تا اندازه‌ای بازتاب اتفاقاتی است که معامله‌گران احتمال می‌دهند در روزها و هفته‌های آینده رخ دهد. اگر احتمال دهند صادرات نفت منطقه با اختلال مواجه می‌شود، حتی پیش از آنکه یک بشکه نفت از جریان عرضه خارج شود، قیمت‌ها را افزایش می‌دهند.

این سازوکار را می‌توان در مفهوم «صرف ریسک» توضیح داد؛ یعنی مبللی که خریداران و معامله‌گران به دلیل احتمال وقوع یک خطر، حاضرند به قیمت عادی نفت اضافه کنند. هرچه احتمال گسترش جنگ، آسیب به پایانه‌های صادراتی یا ناامنی مسیرهای دریایی بیشتر شود، این مبلغ نیز افزایش می‌یابد.

در نتیجه، ممکن است تولید نفت در یک روز مشخص کاهش پیدا نکرده باشد اما قیمت آن به دلیل نگرانی از کاهش احتمالی تولید در آینده بالا برود. این مساله تفاوت مهمی میان بازار نفت در شرایط عادی و بازار نفت در دوره جنگ ایجاد می‌کند. در شرایط عادی، عرضه و تقاضای بالفعل نقش تعیین‌کننده‌تری دارند اما هنگام افزایش تنش‌های نظامی، انتظارات و ارزیابی خطر نیز به عواملی بسیار اثرگذار تبدیل می‌شوند.

«دنیس کس» معاون ارشد بخش معاملات شرکت مالی بوک با اشاره به همین مساله گفته است معامله‌گران همچنان جریان انتقال نفت از خاورمیانه و احتمال تشدید درگیری‌ها را نسوی نیروهای آمریکایی را زیر نظر خواهند داشت.

تنگه هرمز؛ مرکز محاسبات نفتی

یکی از مهم‌ترین اتفاقات اخیر حمله به یک نفتکش در تنگه هرمز است. سازمان عملیات تجارت دریایی انگلیس اعلام کرده روز جمعه یک نفتکش هدف مواد منفجره‌ای قرار گرفت که یک قایق کوچک آن را به بدنه کشتی متصل کرده بود.

بر اساس اطلاعات منتشر شده، این حادثه نخستین حمله موفق با استفاده از مین‌های چسبان در این آبراه از زمان آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران است. این روش از آن جهت اهمیت دارد که به ابزارهای پیچیده و پرهزینه نیاز ندارد و می‌تواند با استفاده از قایق‌های کوچک، امنیت کشتی‌های تجاری را با خطر مواجه کند.

اهمیت این حادثه را باید در موقعیت جغرافیایی تنگه هرمز جست‌وجو کرد. این آبراه یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال نفت و گاز جهان است و هر گونه ناامنی در آن، محاسبات شرکت‌های کشتیرانی، بیمه‌گران، خریداران و فروشندگان انرژی را تغییر می‌دهد. مساله نیز صرفاً به احتمال بسته شدن کامل تنگه محدود نیست؛ حتی اگر مسیر باز بماند، افزایش خطر حمله می‌تواند هزینه عبور کشتی‌ها را بالا ببرد، شرکت‌های بیمه را به تجدیدنظر در پوشش‌های خود وادارد و برخی مالکان کشتی را به تغییر مسیر یا تعویق سفرهای دریایی سوق دهد.

از این منظر، حمله به یک نفتکش ممکن است از نظر حجم مستقیم نفت از دست رفته اهمیت چندانی نداشته باشد اما پیامد اقتصادی آن می‌تواند بسیار بزرگ‌تر باشد. بازار انرژی به امنیت جریان انتقال نفت وابسته است و اختلال در این جریان، حتی بدون توقف کامل صادرات می‌تواند هزینه تأمین انرژی را برای مصرف‌کنندگان افزایش دهد.

عربستان در معرض فشار چندجانبه

در کنار تحولات تنگه هرمز، عربستان سعودی نیز با افزایش نگرانی‌های امنیتی روبه‌رو شده است. سفارت آمریکا در ریاض اعلام کرده واشنگتن به دلیل خطرات امنیتی، از هفته گذشته دستور خروج کارکنان غیر ضروری دولت و اعضای خانواده آنان را از عربستان صادر کرده است.

همزمان انصارالله یمن روز پنجشنبه اعلام کرد چندین نقطه در عربستان سعودی را هدف قرار داده است. در میان اهداف اعلام‌شده، پایگاه‌های بزرگ رأس تنوره، پایگاه‌های رابع و تأسیسات تولیدی بقیق متعلق به شرکت دولتی آرامکو قرار دارند.

اهمیت این تحولات در آن است که عربستان یکی از بازیگران اصلی بازار جهانی نفت و از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان انرژی در جهان است. هر گونه تهدید علیه تأسیسات نفتی این کشور، نگرانی‌هایی درباره ظرفیت تولید و صادرات آن ایجاد می‌کند. بقیق از این جهت اهمیت ویژه‌ای دارد که در زنجیره آماده‌سازی و فرآوری نفت عربستان نقش اساسی ایفا می‌کند. رأس تنوره نیز از مراکز مهم پالایش و صادرات نفت این کشور به شمار می‌رود. تجربه حمله سال ۲۰۱۹ به تأسیسات بقیق و خریص عربستان نشان داد آسیب به تعداد محدودی از مراکز راهبردی می‌تواند

بخش بزرگی از ظرفیت تولید نفت یک کشور را برای مدتی از مدار خارج و بازار جهانی را با شوک مواجه کند. بنابراین نگرانی امروز بازار صرفاً درباره میزان نفتی نیست که در حال حاضر از دست رفته، بلکه درباره میزان ظرفیتی است که ممکن است در صورت گسترش درگیری‌ها آسیب ببیند.

خروج کارکنان غیر ضروری آمریکایی نیز از منظر بازار اهمیت دارد. چنین تصمیمی لزوماً به معنای اطلاع قطعی واشنگتن از وقوع یک حمله قریب‌الوقوع نیست اما نشان می‌دهد ارزیابی امنیتی آمریکا درباره منطقه تغییر کرده است. همین تغییر ارزیابی برای

افزایش احتیاط معامله‌گران کافی است.

تبدیل شدن انتخابات آمریکا و اسرائیل به متغیر بازار نفت
یکی از نکات قابل توجه در تحولات اخیر، پیوند خوردن انتظارات بازار نفت با تقویم سیاسی آمریکا و اسرائیل است. بانک «ساکسو»ی دانمارک در گزارشی اعلام کرده با توجه به انتخابات اخیر اسرائیل و انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا در دوازدهم آبان، احتمال نوسانات بیشتر قیمت نفت در ۲ هفته آینده وجود دارد.

در نگاه نخست ممکن است ارتباط انتخابات با قیمت نفت چندان روشن نباشد اما بازار انرژی به‌شدت از تصمیمات سیاسی تأثیر می‌پذیرد. انتخابات می‌تواند بر محاسبات دولت‌ها درباره ادامه جنگ، نحوه مواجهه با ایران، میزان حمایت از عملیات نظامی و حتی آمادگی برای ورود به مذاکرات اثر بگذارد.

در آمریکا دولت با ملاحظات داخلی و اقتصادی نیز مواجه است. افزایش قیمت بنزین و انرژی می‌تواند فشار مستقیمی بر خانوارها وارد کند و به یکی از موضوعات حساس در رقابت‌های سیاسی تبدیل شود. بنابراین افزایش قیمت نفت ممکن است هزینه سیاسی داشته باشد و بر محاسبات تصمیم‌گیران آمریکایی اثر بگذارد.

از طرف دیگر، معامله‌گران نگرانند پایان انتخابات، محدودیت‌های سیاسی پیشین را کاهش دهد و احتمال اتخاذ تصمیمات نظامی پرهزینه‌تر افزایش یابد. البته این فرضیه را نباید به عنوان یک نتیجه قطعی پذیرفت. پایان انتخابات به خودی خود به معنای تشدید جنگ نیست. همان‌طور که فشار افکار عمومی و هزینه اقتصادی جنگ نیز الزاماً به توقف آن منجر نمی‌شود.

آنچه اهمیت دارد، افزایش دامنه عدم اطمینان است. بازار

نمی‌داند پس از انتخابات، مسیر دیپلماسی تقویت خواهد شد یا احتمال اقدام نظامی افزایش می‌یابد. همین ابهام می‌تواند در کوتاه‌مدت قیمت‌ها را پرنوسان نگه دارد.

دیپلماسی بر قیمت نفت اثر ندارد

در میان اخبار امنیتی، بازگشت میانجی‌های قطری به تهران یکی از مهم‌ترین تحولات روز جمعه بود. یک مقام آگاه از مذاکرات به رویترز گفته میانجی‌های قطر در چارچوب تلاش‌های هماهنگ برای دستیابی به توافق میان آمریکا و ایران، بار دیگر به تهران بازگشته‌اند.

بازگشت میانجی‌های قطری به تهران و ادامه تلاش‌ها برای توافق میان ایران و آمریکا نتوانست قیمت نفت را کاهش دهد و نفت برنت همچنان در محدوده بالای ۱۱۷ دلار معامله شد؛ موضوعی که از تداوم نگرانی بازار درباره آینده جنگ حکایت دارد. به نظر می‌رسد معامله‌گران دیگر به وعده‌های دیپلماتیک واشنگتن به‌سادگی اعتماد نمی‌کنند. تجربه ماه‌های گذشته و فاصله میان مواضع اعلامی آمریکا و رفتار عملی این کشور باعث شده بازار تا زمان مشاهده نشانه‌های واقعی کاهش تنش، همچنان احتمال تشدید درگیری‌ها را در قیمت نفت لحاظ کند. برای بازار خبر مذاکره دیگر کافی نیست، آنچه اهمیت دارد، نتیجه عملی آن است.

نفت پس از جنگ هم ارزان نخواهد شد

یکی از نکات مهم گزارش بانک ساکسو پیش‌بینی قیمت نفت پس از پایان درگیری‌هاست. این بانک معتقد است حتی پس از پایان جنگ نیز قیمت نفت خام احتمالاً در محدوده ۷۰ تا ۹۰ دلار در هر بشکه باقی خواهد ماند، در حالی که پیش از جنگ، محدوده معمول قیمت نفت بین ۶۰ تا ۷۰ دلار بود.

اگر این برآورد محقق شود، معنای آن تغییر در ارزیابی بازار از ریسک منطقه خواهد بود. به بیان ساده، پایان جنگ لزوماً به معنای بازگشت فوری قیمت نفت به شرایط پیش از جنگ نیست. شرکت‌های کشتیرانی، بیمه‌گران و سرمایه‌گذاران ممکن است برای مدتی طولانی‌تر، هزینه بیشتری برای فعالیت در منطقه مطالبه کنند.

بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده، بازگشت اعتماد به مسیرهای دریایی، تنظیم دوباره قراردادهای حمل‌ونقل و اطمینان

از استمرار صادرات، زمان‌بر خواهد بود. افزون بر این، اگر احتمال تکرار درگیری‌ها همچنان در ذهن فعالان بازار باقی بماند، بخشی از صرف ریسک نیز در قیمت نفت حفظ می‌شود.

با این حال، فاصله میان قیمت‌های پیش از جنگ و برآورد پس از جنگ، نکته مهمی را آشکار می‌کند که ناامنی می‌تواند حتی پس از پایان درگیری نیز برای اقتصاد منطقه هزینه ایجاد کند.

لیبی و شکنندگی زنجیره تأمین نفت

در کنار تحولات بزرگ خاورمیانه، اتفاقی کوچک‌تر در لیبی نیز توجه بازار را جلب کرده است. شرکت ملی نفت لیبی اعلام کرده یک گروه مسلح روز جمعه شیر خط لوله اصلی انتقال نفت خام حماده را بسته است. این خط لوله، میدان نفتی حماده را به پالایشگاه زایوه متصل می‌کند و بسته‌شدن آن موجب توقف انتقال روزانه حدود ۱۵ هزار بشکه نفت شده است.

در مقیاس بازار جهانی، توقف روزانه ۱۵ هزار بشکه نفت رقم بزرگی نیست و به‌تنهایی نمی‌تواند عامل تعیین‌کننده‌ای برای افزایش قیمت جهانی باشد اما اهمیت این اتفاق در نمایش آسیب‌پذیری زیرساخت‌های انرژی لیبی و دشواری حفظ جریان پایدار تولید و انتقال نفت در این کشور است.

لیبی سال‌هاست با مشکلات سیاسی و امنیتی دست‌وپنجه نرم می‌کند و تأسیسات نفتی آن بارها در معرض فشار گروه‌های مسلح و اختلافات داخلی قرار گرفته است. در این کشور، حتی یک خط لوله یا شیر انتقال نیز می‌تواند به ابزاری برای اعمال فشار سیاسی تبدیل شود.

اهمیت این مساله زمانی بیشتر می‌شود که آن را در کنار تحولات خاورمیانه قرار دهیم. بازار جهانی نفت با مجموعه‌ای از نقاط آسیب‌پذیر مواجه است. ممکن است اختلال در یک کشور محدود باشد اما هم‌زمانی چند اختلال در مناطق مختلف می‌تواند انعطاف‌پذیری عرضه جهانی را کاهش دهد.

به همین دلیل، بازار نفت فقط تحولات تولیدکنندگان بزرگ را دنبال نمی‌کند، حتی خردادهای کوچک در کشورهای تولیدکننده نیز می‌تواند در شرایط پرتنش، به افزایش نگرانی‌ها دامن بزند.

جمع‌بندی

جهش حدود ۱۵ درصدی قیمت نفت طی یک ماه گذشته و صعود نفت برنت به نزدیکی مرز ۱۱۸ دلار، بیش از آنکه حاصل کسری فیزیکی در عرضه باشد، بازتاب ورود سنگین «ریسک» به محاسبات بازار است. رفتار معامله‌گران نشان می‌دهد بازار انرژی آینده‌نگر شده و به دلیل فقدان چشم‌انداز پایان جنگ، صرف احتمال گسترش درگیری‌ها و تهدید شریان‌های انتقال را پیش‌پیش در قیمت‌ها لحاظ می‌کند؛ وضعیتی که مدیریت انتظارات روانی را تعیین‌کننده‌تر از عرضه و تقاضای بالفعل کرده است.

کانون اصلی این تشدید بحران، شکنندگی زیرساخت‌های استراتژیک منطقه است. حمله به نفتکش‌ها در تنگه هرمز حتی با ابزارهای کم‌هزینه‌ای چون مین چسبان، زنگ خطر را برای زنجیره حمل‌ونقل و شرکت‌های بیمه به صدا درآورده است. هم‌زمان تهدید تأسیسات محوری آرامکو (مانند بقیق و رأس تنوره) و خروج کارکنان غیر ضروری آمریکا از عربستان، کابوس تکرار فلج‌شدن تولید نفت بزرگ‌ترین صادرکننده جهان را زنده کرده و احتیاط فعالان بازار را به حد اکثر رسانده است.

از سوی دیگر، همپوشانی تحولات امنیتی با معادلات سیاسی، به‌ویژه انتخابات پیش‌رو در آمریکا، سطح نااطمینانی را دوچندان کرده است. در چنین فضایی، تلاش‌های دیپلماتیک و میانجی‌گری‌هایی نظیر اقدامات قطر دیگر توان مهار قیمت‌ها را ندارد، چرا که فعالان بازار وعده‌ها را نادیده گرفته و تنها در انتظار نشانه‌های عملی و پایدار تنش‌زدایی هستند و حتی نگرانند پایان موعده انتخابات، دست بازیگران را برای تصمیمات نظامی تهاجمی‌تر باز بگذارد.

۱۱ مدال معتبر در ۴ وزن متفاوت، حسن یزدانی را جاودانه کرد

پهلوانی برای همه فصول



فشار روانی سنگینی ایجاد می‌کند. با این وجود، یزدانی بارها نشان داده توانایی بازگشت به میدان و حفظ انگیزه رقابت را دارد.

پس از المپیک پاریس، مشکلات کتف و روند درمان، شرایط متفاوتی را پیش روی او قرار داد. جراحی و توصیه‌های پزشکی، ادامه فعالیت در دسته پیشین را دشوار کرد و سرانجام تصمیم بر حضور در ۹۷ کیلوگرم گرفته شد.

این تغییر را نباید صرفاً افزایش وزن دانست. کشتی‌گیری که سال‌ها با حرفان ۸۶ کیلوگرمی مبارزه کرده، هنگام ورود به دست‌های سنگین‌تر، با تفاوت‌های قابل توجهی در قدرت فیزیکی، نحوه درگیری و مدیریت انرژی روبه‌رو می‌شود.

برای ورزشکاری در ۳۲ سالگی، چنین تصمیمی می‌توانست مخاطرات فراوانی داشته باشد. بسیاری از قهرمانان در این مرحله ترجیح می‌دهند با همان افتخارات گذشته‌شان از دنیای حرفه‌ای خداحافظی کنند اما یزدانی مسیر دشوارتر را برگزید.

در آستانه، او با وجود شکست مقابل آرش پوشید، توانست روی سکوی سوم قرار بگیرد؛ برنزی که از منظر ارزش تاریخی، شاید تفاوتی اساسی با بسیاری از مدال‌های طلای پیشین او نداشته باشد.

زیرا این بار موضوع فقط نتیجه یک مسابقه نبود، بلکه توانایی رقابت

زن پاسخ داد: «بله! این دو مرد شاهدند».

قاضی از گواهان پرسید: «آیا شهادت می‌دهید این زن از شوهرش طلبکار است

و مرد بدهی او را نپرداخته است؟»

مرد بدهی او را نپرداخته است؟»

بنشاسیم و یقین کنیم همان زنی است که دربار ما ش گواهی می‌دهیم.»

هنوز سخنان تمام نشده بود که زن به لرزه افتاد. قرار بود برای اثبات حقش،

چهره‌اش را در برابر ۲ مرد بیگانه آشکار کند.

در همان هنگام، شوهر که تا آن لحظه اصل بدهی را انکار می‌کرد، ناگهان

شیخ بهاءالدین عاملی، مشهور به شیخ بهایی، در یکی از کتاب‌های خود حکایتی

نقل می‌کند:

روزی زنی نزد قاضی رفت و از شوهرش شکایت کرد. می‌گفت ۵۰۰ مثقال طلا

از او طلب دارد اما مرد از پرداخت بدهی سر باز می‌زند.

قاضی فرمان داد شوهر را احضار کنند.

مرد آمد اما زیر بار نفرت، هرچه زن بر طلب خود پافشاری کرد، شوهر بهکاری‌اش

را انکار کرد و سخن او را نپذیرفت.

قاضی رو به زن کرد و پرسید: «برای آنچه می‌گویی، شهادی هم داری؟»

۵۰۰ مثقال طلا و یک نقاب

سید احمد مصطفوی: در روایت پیشین، کیفی کوچک ما را به قصه‌ای در دل خاک برد. این بار اما ماجرا نه در قبرستان، بلکه در محکمه‌ای آغاز می‌شود؛ جایی که حق و طلب، ۲ نفر را روبه‌روی یکدیگر نشانده است. گاهی یک اختلاف مالی، آنقدر که در ظاهر پیداست، ساده نیست. کافی است سخنی گفته شود یا خواسته‌ای بیش بیاید تا آنچه تا لحظه‌ای پیش مهم‌ترین مساله بود، ناگهان در برابر ما بریزد. حکایت امروز از همین دست است: قصه ۵۰۰ مثقال طلا و نقابی که سرنوشت یک شکایت را تغییر داد.

حکایت حجاب



مهدی طاهر خانی

خود را در ۷۰ کیلوگرم به دست آورد، اکنون در ۹۷ کیلوگرم بر سکوی جهانی ایستاده است؛ اتفاقی که گستردگی کم‌نظیر دوران قهرمانی او را نشان می‌دهد و نامش را در بحث رکوردهای بزرگ تاریخ این رشته مطرح می‌کند.

برنز مسابقات جهانی ۲۰۲۶ آستانه، تنها یک مدال دیگر برای مجموعه افتخارات یزدانی نیست. اهمیت این موفقیت زمانی آشکار می‌شود که بدانیم او پیش‌تر در دسته‌های ۷۴، ۷۰ و ۸۶ کیلوگرم نیز صاحب نشان‌های معتبر شده است. اکنون با اضافه شدن چهارمین وزن، کارنامه این قهرمان و پهلوان بزرگ ایرانی ابعاد متفاوتی پیدا کرده است؛ هرچند تأیید ادعای بی‌سابقه بودن چنین رکوردی در سراسر تاریخ کشتی، نیازمند بررسی جامع آمار جهانی است.